Literary and intellectual features of social symbolism in Frough Farrokhzad's poetry

Inst. Nazik Qassim Mohammed
Language of Persian-College of language/University of Baghdad
nazekqasim@gmail.com

DOI: 10.31973/aj.v1i138.1725

Abstract
It can be said that contemporary symbolic poetry is social poetry that has a realistic view of society and human social status. Symbolism is the art of expressing thoughts and emotions through use of symbols to evoke feelings and ideas in the reader's mind. Therefore, the poets' goal of using symbolism in their poetry is to resolve the conflict between the material and moral worlds.
Frough Farrokhzad paid great attention to symbolic poetry, as she expressed her social reality through her poems. She wrote most of her poems in the field of symbolism, that is, she used symbols to express the social conditions that the country was going through due to political failures. Therefore, her poems contained a variety of different social themes, full of social criticism of the conditions in which people live.
Keywords: What is symbolism- social symbolism in Persian Poetry-Literary features in Frough's Poetry-Characteristics of content and thought.

ویژگیهای ادبی وفکری سمبولیسم اجتماعی در شعر فروغ فرخزاد

م. نازك قاسم محمد
گروه زبان فارسی– دانشکدهٔ زبان/دانشگاه بغداد
nazekqasim@gmail.com

چکیده(Abstract)

می توان گفت که شعر سبولیسم معاصر شعری اجتماعی است که نگاهی واقع بینانه به مسائل جامعه دارد وهمچنین نسبت به موقعیت اجتماعی انسان است. سبولیسم هنر بیان اندیشه ها واحساسات از راه استفاده از نمادها برای ایجاد عاطفه وتفکرها در ذهن خواننده است. اما هدف شاعران از این امر استفاده از نمادین در شعرشان برای حل مناقشه میان دنیای مادی ومعنوی است.

فروغ فرخزاد یک از شاعران معاصر است که در شعرش توجه زیادی به شعر سمبولیسم داشت؛ زیراکه از هنگام اشعارش مسائل اجتماعی عصر خود بصورت هایی

متنوع وگوناگونی ابراز می دارد. و بنابراین اغلب اشعار فروغ در حوزه نمادگرایی می نوشت، یعنی استفاده از نماد برای بیان اوضاع اجتماعی به سبب خفقان سیاسی قرار می دهد. لذا اشعار او شامل انواع مختلفی از مضامین اجتماعی، پُر از انتقادهایی جامعه شناسانه نسبت به آن شرایطی که مردم در آن زندگی می کنند.

واژه های کلیدی: سمبولیسم چیست؟- سمبولیسم اجتماعی در شعر فارسی- ویژگیهای ادبی در شعر فروغ - ویژگیهای محتوایی وفکری.

مقدمه(Introduction)

سمبولیسم اجتماعی از مهمترین جریانهای شعر معاصر ایران به شمار میرود. سمبولیست ها شعر را وسیله ای برای بیان عواطف واحساسات شاعر می دانستند ومی کوشیدند به جای ارائه ی یک پیام فکری یا اخلاقی، یا یک وضعیت عاطفی خلق کنند که در آن از نمادهای ظاهری برای بیان این عواطف استفاده شود. شاعران جریان شعر سمبولیسم اجتماعی یا شعر رمزگرایی وجامعه گرایی با تعهد واحساس مسؤولیت اجتماعی وبا استفاده از نماد وزبان نمادین - به طور غیر مستقیم - به شرح رویدادهای اجتماعی آن دوران پرداختند.

سمبولیسم در شعر معاصر فارسی، پدیده ای نو بود که شاعران این نوع شعری با زبانی سمبلیک وتاویل بردار مسایل اجتماعی زمان خود را در شعر منعکس می کنند. وهمچنین ویژگی مهم این نوع، متفکرانه واندیشمندانه بودن اشعار است؛ زیراکه در این نوع ، در کنار دو عنصر عاطفه وتخیل، بر اندیشه وتفکر نیز تاکید بسیار می شود. از شاعران معاصر که در شعر خود از نماد سود جسته، فروغ فرخزاد است که به عنوان شاعر ونماینده واقعی این جریان شعری بود. سمبولیستها اشعار آن از واقع اجتماعی اوست، فروغ برای بیان تفکرات وآرمانهای خود وبرای توسع شعرش از این سمبولستها استفاده کرده تا هر کس به اندازه وخواست خود از شعرش فهمی را داشته باشد.

سمبولیسم چیست؟(What is symbolism)

اصل کلمه سمبول sambol(نماد)، سوم بولون sumbolon یونانی است به معنی به هم چسپاندن دو قطعه مجزا که از فعل سومبالو sumballo (می پیوندم) مشتق است وحاکی از چیزی است که به دو قسمت شده باشد... تلقی سمبولیستها از کلمه سمبول را نیز می توان از این تعریف ژول لومتر استنتاج کرد: " **تطبیقی است که فقط جزء دوم آن به ما داده شده است، دستگاهی از استعاره های پیاپی**"(سید حسینی، ١٣٨٩، ج٢: ٥٣٨= Seyed Hosseini,1389, part 2:538).

سمبولیسم از نظر لغت به معنای رمزگرایی ونمادگرایی است. سمبولیسم، جنبشی نامحسوس در هنر بود که در دهه های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ در ارتباطی نزدیک با جنبش ادبی سمبولیستی در شعر فرانسه ظهور وشکل گرفت. این جنبش واکنشی بود به اهداف طبیعت گرایانه ی مکتب امپرسونیسم ونیز به اصول رئالیسمی که توسط کوریه وضع شد. " **نقاشی اساسا هنری عینی است وفقط می تواند شامل بازنمایی چیزهایی شود که واقعی وموجودند ... شیء انتزاعی به قلمرو نقاشی تعلق ندارد**"(جلال ستاری،۱۳۷۲: ۶۵= Jalal Satari,1372:65).

وهمچنین از نظر معنای لغوی، در اصل نشانه ای برای شناخت وبازشناختی بوده است؛ به این معنی که هرگاه نیمه ای از شیئ که در دست کسی بوده، به او امکان می داده است که آن را با نیمه دیگری برابر بداند، به آنکه هرگز آن نیمه ی دیگر را دیده باشد ودر نزد یونانیان به معنای گره ی بوده به دو نیمه می کردند وبه نشانه ی مهمان نوازی بود(همان =Ipid).

از نظر بلاغت ادبی " **نماد از زمره ی صورتهای خیال محسوب می شود. به طور معمول، هر تصویری شامل دو نیمه است: رسانه(مشبه وشبه به یا مستعار ومستعار منه) ودیگری غرض. نماد همان رسانه است که صورت مرئی آن در متن ادبی می آید وغرض آن، ایده ای نامرئی وپنهان است. که به طور واضح به آن اشاره شده است**"(فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۶۳= Fattohi,1386:163).

اما از نظر فکر، سمبولیسم بیشتر تاثیر فلسفه ی ایدآلیسم بود که از میتافزیک الهام می گرفت. " **شوپنهاور**" نیز تاثیر زیادی بر شاعران سمبولیست داشت. آنها در ذهنیت گرایی عمیقی غوطه ور بودند وهمه چیز را پشت منشور خواب کننده ی روحیه ی تخیل آمیزشان تماشا می کردند. برای آنها که با چنین فلسفه ی بدبینانه ای پرورش یافته بودند، هیچ جز مناسب تر از دکور مه آلود ومبهم که تمام خطوط تند وقاطع زندگی در میان ان محو شود وهیچ محیطی بهتر از تاریکی ومهتاب وجود نداشت. شاعر سمبولیست در چنین محیط ابهام آمیز ودر میان رویاهای خودش، تسلیم مالیخولیای خویش می شد. قصرعای کهنه ومتروک، شهرهای خراب وآب های راکدی که برگ های زرد رویی آنها را پوشانده باشد ونور چراغی که در میان ظلمت شب سوسو می زند واشباحی که روی پرده تکان می خورد وبالاخر سلطنت سکوت وچشمانی که به افق دوخته شده است(جلال ستاری،۱۳۷۴: ۴۳= Jalal Satari,1374:43).

اما در حوزه ی ادبیات، سمبل یا نماد به چیزی گفته می شود که هم خودش باشد وهم مظهر مفاهیمی دیگر؛ علاوه بر مفهوم واقعی اش. نمادها با توجه به زمینه های فکری، فرهنگی وشرایط به وجود آمد نشان به دو گروه بومی یا عمومی تقسیم می شوند: نمادهای بومی مربوط به مردم منطقه ای خاص است؛ اما نماد عمومی را تقریبا همه مردم جهان به یک صورت درک می کنند. در آثار ادبی، نیز نماد، دو گونه کابرد دارد. گاهی هنرمند اثر کاملا سمبولیک ونمادین می آفریند، مثل منطق الطیر عطار وگاه در اثر خود از برخی عناصر به عنوان نماد بهره می گیرد(ثروت منصور،١٣٨٧ :١٦= Tharwat Mansur,1387:16). وشاعر سمبولیستی دستیابی به دنیای آرمانها وایده آله ای خود را تنها از طریق قطع ارتباط با رئالیسم می دانست واین مکتب در واقع " **واکنشی بود در برابر رئالیسم، ناتورالیسم وماتریالیسم علمی نیمه ی دوم سده نوزدهم ... از نظر فلسفی سمبولیسم پیرو فلسفه ایده آلیسم است که از متافیزیک الهام می گیرد وبه تخیل بیش از تفکر اهمیت می دهد**"(انوشه، ١٣٧٦: ٨٢٧ = Anousheh,1376:827).

بارزترین ویژگی سمبولیستها، درونگرایی شدید وقطع ارتباز آنها با جهان بیرون بود. به باور آنها عرصه ی شعر از آنجا شروع می شود که با واقعیت قطع رابه شود. درونگرایی واعتقاد آنها به جهان ما وراء وتأکید بر تخیل وکشف وشهود سبب شد که شعر سمبولیستها از پیچیدگیهای خاصی برخوردار شود وگاه درک معنای آن به راحتی امکان پذیر نباشد. توجه بهمین ویژگیها، فضای آثار سمبولیستی غالبا مه الو وهمانگیز بود(نظام الیین انوری: ۴۶۵= Nizamuddiid Nouri:465).

وهمچنین سمبولیستها شعر را وسیله ای برای بیان عواطف واحساسات شاعر می داستند ومی کوشیدند به جای ارائه یک پیام فکری یا اخلاقی، ویک ورعیت عاطفی خلق کنند که در آن از نمادهای ظاهری برای بیان این عواطف استفاده شود(همان =Ipid).

از دیگر ویژگیهای فکری سمبولستها بدبینی ونگاه تیره وتار آنها به جهان بود. ریشه ی این بدبینی را باید در تأثیرپذیری آنها از افکار " **شوپن هاور(Schopen Hauer)**"، فیلسوف آلمانی قرن نوزدهم یلادی جستجو کرد. او که با دیدی منفی به زندگی انسان نظر داشت وآن را سراسر بدی وشر می دانستف مرگ را تنها راهیبی انسان از این زندگی رنجبار تلقی می کرد. این افکار به شدت بر هنرمندان سمبولیست مرثر افتادف به طوریکه هاله ای از یأس وانبوه آثار آنها را فرا گرفت(سید حسینی، ١٣٨٩: ١٩٨= Seyed Hosseini,1389:198).

اما استفاده از نماد ونمادپردازی در سمبولیسم از جایگاه ویژه ای برخوردار است تا بدان حد که کلمه ی نماد در فارسی تا حدودی جایگزین سمبول شده است. به گفته لالاند

نماد: نشانه ای عینی است که به وسایل طبیعی(ماخوذ از سراسر طبیعت) چیزی غایب یا غیر قابل مشاهده را مجسم می کند. به رغم یونگ نماد بهترین تصویر ممکن برای تجسم چیزی است که نسبتا ناشناخته مانده است ونمی توان آن را به شیوه ای روشنتر بیان کرد(دلاشو، ۱۳۶۴: ۹= Dallashaw,1366:9).

سمبولیسم اجتماعی در شعر فارسی(social symbolism in Persian poetry)

نماد یکی از تمایزهای آشکار شعر سپید وسنتی می باشد، شعر سپید با کنار گذاشتن نمادهای عرفانی وشخصی به کار رفته در شعر کهن ونیز نمادهای کلیشه شده ی نیمایی، در هر شعر به ساختن نمادی جدید می پردازد.

بر اثر انقلاب مشروطه شعر این دوره همچون حرکتهای سریع مشروطه همراه با شعارهای روزمره با سرعت وتپش به پیش می رود، ومخاطبان خود را مردم عادی قرار می دهد. وبه ناچار برای شعر خود " **زبانی انتخاب می کند که طبقات مختلف مردم بتوانند آن را درک کنند**"(کورش صفوی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۳۶ = Cyrus Safavi,1366, part 1:36) بنابراین دیگر شاعر مجالی برای زیبایی اندیشی وزیبایی فکری وزبانی برخور ندارد واز سنتهای لفظی گذشتگان نیز یکباره جدا می شود وبا موضوعاتی تازه اما نه ادبی وزیبایی شناسانه پا به عرصه ی وجود می گذارد. از جهت درونمایه نیز شاعران هیچ گونه کوششی نمی کنند وغالبا به توصیف وقایع می پردازند وجلوه هایی از زندگی ورخدادهای آن را ترسیم می کنند وبدین ترتیب " **نوعی واقع گرای شاعرانه یا توصیف رئالیستی در شعر** "(جلال ستاری، ۱۳۷۲، ج۱: ۵۸= Jalal Satari,1372, part 1: 58) ایجاد می شود. این ویژگی در شعر شاعرانی چون ابو القاسم لاهوتی، عشقی، نسیم الشمال، ایرج میرزا وفرخی یزدی مشاهده می شود.

شاعران همچنین فرهنگ عوام، مسائل سیاسی روز واجتماعیات را غالبا بر اثرگذاری وتحریک خوانندگان خود دستمایه قرار می دهند، ولی به دلیل تغییرات سریع دیدگاههای ومسرهای اجتماعی ومحیط زندگی ونوجوانی های شتاب زده، درونمایه شعر مشروطه دگرگون است ووجود گوناگونی را نمایش می دهد. ولی به هر حال هیچ گونه جنبه ی نمادین ونمادگرایی به شیوه ی ادب گذشته در شعر این دوره دیده نمی شود.

با ظهور نیما ونشر " **افسانه** "، نوجویی به معنی واقعی در شعر فارسی آغاز می شود(دکتر حمید زرین کوب، ۱۳۵۸: ۴۵ = Dr. Hamid Zarin Koop, 1358:45). " **افسانه** " زبانی رمانتیک دارد، نیما بعد از یک دوره ی چند ساله، تغیر دیدگاه می دهد وبه نوعی واقع گرایی هنری نزدیگ می شود وبعد از آن به سوی شعر اجتماعی حرکت می کند وبه تمثیل نزدیک می شود. اگر چه گاه زبانی نمادین ورمزی دارد. وبا انتشار "

ققنوس" به زبانی کنایی از خود وشعر خود سخن می گوید. نیما وشعرش مکتبی می شود برای نوجوانان وشعر وبعد از وی شاعران جوان تحت تأثیر او طبع آزمایی می کنند(Ipid). ودر این دوره شاعرانی چون نصرت رحمانی، فروغ فرخزاد، حسین هنرمندی و.... شعر خود را با مضامین مرگ، وحشت، غربت وتنهایی وگناه بیان می کنند. وشاعران دیگری چون هوشنگ ابتهاج، نادر نادرپور وفریدون مشیری و.... با انتشار مجموعه های خود، دنباله روی نیما هستند وخود به تجریباتی جدید ونوین نیز دست می یابند وراه خود را پی می گیرند.

نمادهایی هستند که تقریبا در شعر اکثر شاعران این دوره کاربرد دارند وبه علت استفاده بیش از حد از آنها معنا ومقصود آنها برای مخاطب روشن وآشکار است ودیگر نیازی به کنکاش ذهنی از سویی مخاطب برای دریافت مقصود از آنها نیست وهمین امر از لذت ادبی یک شعر می کاهد ودر این میان نمادهایی محبوبیت دارند که قابلیت تاویل وتفسیرهای متفاوت را داشته باشد وخواننده خود با تلاش ذهنیاتش به مقصود شاعر پی ببرد. مثلا نماد(شب) که در شعر اکثر شاعران این دوره نماد ظلم وستم واستبداد وحوادث شوم ... است که از دوره مشروطه به بعد با همین کاربرد در شعر شاعران بعد از آن هم رایج بود دیگر برای مخاطب جاذبه ندارد. ویا نمادهایی چون: (لاله) نماد شهادت، (چشمه) نماد روشنی، تحرک وپویایی، (طلوع وغروب) نماد مرگ وزندگی ونمادهایی از این دست است. فروغ فرخزاد از پیروان نیما در نمادگرای است که با این ترفند انتقادهای فکری خود را از جامعه معاصر به تصویر کشیده است(همان =Ipid).

در شعر فروغ فرخزاد که یکی از شاعران مطرح معاصر است نوعی رئالیسم پویا می توان دید، " **جنبه ی رئالیست تصاویر فروغ چشم گیر است. کتاب اول او " اسیر" در واقع سمبلی از یک حالت روانی است که در آن شخص خود را گرفتار سنتها وتعصبها می یابد که امید برای زندگی تجربی کامل در آن نیست.** " **دیوار"، دومین اثر او، وصفی را می رساند که شخص می خواهد تمام محدودیتهای سنتی را در هم بشکند. در "عصیان" ، سومین کتابش ساده ترین وعمیق ترین مضمون کشف شده ی هویت انسانی وهویت شیطانی را ومسأله بنیادی فلسفی اختیار واجبار را عرضه کرده است. در " تولدی دیگر" چنین می نماید که شاعر رشد یافته وخود را از تمام نیش ونوشها تکانده وبه نوعی وحدت ویگانگی وسعادت ابدی چنگ زده**"(یعقوب آژند، ١٣٦٣، ج١: ٢٥= Yaqoub Aghand,1363,part 1:25).

بسیاری از تصاویر اشعار موفق فروغ سمبولیسم اجتماعی است ودر حقیقت نمادپردازی می کند. او این گونه تصاور را آگاهانه انتخاب می کند. در این باره خود می

گوید: " **شعر مرز پر گهر(خود) یک اجتماعی استف اگر نمی تواند حرفهای جدیدش را با فریاد بگوید لا اقل با شوخی ومسخرگی می تواند بگوید**"(فرخزاد، ١٣٥٥: ١٥= Farrokhzad.1355:15). واین تصاویر وزبان همگی " **حاصل دریافت ذهنی او وتجربه ی عاطفی وصور خیال او است** "(غلامحسین یوسفی، چ١ :٦٣= Gholamhossein Yousfi, part 1:63).

فروغ در شعر " **دلم برای باغچه می سوزد**" با توصیف محیط اطراف خود در واقع جامعه ی عصر خویش را به تصور می کشد.

کسی به فکر کلا نیست
کسی به فکر ماهی ها نیست
که قلب باغچه در
زیر آفتاب ورم کرده است
که ذهن باغچه دارد آرام آرام
از خاطرات سبز تهی می شود
وحس باغچه انگار
چیزی مجرد است که در انزوای باغچه پوسیده است
حیاط خانه ما تنهاست
حیاط خانه ما در انتظار بارش یک ابر ناشناس
خمپاره می کشد(فرخزاد، ١٣٧٩: ٤٤٩-٤٥٥= Farrokhzad, 1379: 449-455)

در این شعر گلها وماه ها می تواند نماد از مردم جامعه باشد وباغچه خود جامعه، وحیاط خانه وطن شاعر، که مورد غفلت وبی مهری حاکمان خودخواه واقع شده واینک در انتظار تحولی مثبت است.

زمینه های پیدایش وگسترش جامعه گرایی ونمادگرایی در شعر معاصر ایرانی

(The fields of emergence and expansion of symbolism in contemporary poetry)

سبولیسم ونماگرایی اجتماعی وانقلابی در ایران محصول دوره ی دوم حکومت پهلوی بعد از کوتای ٢٨ مرداد سال ١٣٣٢ بود که دوران اوج آن در فاصله یک دهه پس از کوتاست. هر چند که بعد از ان نیز اداه یافت، اما از کانون توجه وترکز آن تا حدودی کاسته شد " **سالها پیش از ظهور سمبولیس در فرانسه، در شعر فارسی دهنیتی به وجود آمد که اشیاء را جانشین حقایق بزنگ می کرد. در جزء ماهیت کل را می جست ونشانه**

ها را نردبان عروج به آسمان وجهان ماورای حس می ساخت. این ذهنیت میراث هنری خود را بیش از هر جا در ادبیات عرفانی بر جای گذاشت"(فتوحی، ١٣٨٦: ١٦٢= Fattohi, 1386: 162).

به طور کلی جریانهایی شعری در دهه ی سی را می توان در سه دسته با وجود تفاوتهایی که با هم داشتند، تقسیم بندی کرد: " **یکی متعلق بود به شاعران رمانتیک واحساساتی که غالبا روحی های بیمار را به جامعه تلقین می کرد،... دوم شعر شکست وآه وناله وگریه بود که سر انجامش به درونگرایی منجر شد وپناه بردن به میخانه وبی خیالی. در کنار این دو جریان که تأثیرات ناخوش ایندی بر روحیه ی قومی داشت، یک جریان جاندار وحیاتبخش هم بتدریج در حال شکل – گرفتن بود که آن عبارت بود– از شعر جامعه گرا با گرایش عمدتا سمبولیستی... که دو جریان رقیب را خانه نشین کرد**"(زرقانی، ١٣٨٣: ٦٦٢= Zarkani, 1383: 662).

سمبولیسم در شـــعر معاصر ایران با آنچه که در اورپا به وقوع پیوست متفاوت بود واز آنجا که بیانگر واقعیات جامعه واجتماع شـــاعر بود با رئالیســـم در ارتباط بود وشاید بتوان گفت در این زمان رئالیســـم در قالبی دیگر رخ نمود وآن ســـمبولیسم بود. روند" **نمادگرایی در شعر معاصر ایران از حدود سال ١٢١٦ با شعر " ققنوس" نیما آغاز شد... در سالهای بعد از شهریور ١٣٢٠ سبک سمبولیسم نیما پیروان جدی وتوانمندی پیدا کرد. مهدی اخوان ثالث واحمد شاملو، شیوه ی نیما را در پیش گرفتند وشعر سمبولیک ایران شکل گرفت**"(فتوحی، ١٣٨٦: ٢٤٣= Fattohi, 1386: 243). در واقع جنبه ی اجتماعی وسیاسی یافتن شعر معاصر ایران را باید از عصر مشروطه دانست. بنابراین سیر شعر فارسی را بعد از انقلاب مشروطه این گونه است:

" **شعر رمانتیک اجتماعی شعر سمبولیک اجتماعی شعر فرمالیستی وموج نو** "(حسینی، ١٣٨٧: ١٩٠= Hosseini, 1387: 190). سمبولیسم در ایران عبارتند از:

١. تحولات سیاسی واجتماعی(political and social developments)

یکی از عوامل مؤثر بر دیدگاه بسیاری از شاعران در هر عصر، تحولات سیاسی واجتماعی آن عصر است که تأثیری مستقیم بر سبک سخن شاعران بر جای می گذارد. " هر نوشته در ابتدا، متعهد عصر خویش است. بعد در صورتی که آن عصر قدرت تبین اعصار دیگر را به داشته باشد، متعهد اعصار دیگر به خواهد بود"(براهنی، ١٣٧١، ج١: ١٦= Brahni,1371, part 1: 16). سمبلیک در ایران به عنوان گونه ای از ادبیات متعهد ومسئول در قبال جامعه نمی تواند بر کنار از وقایع سیاسی واجتماعی به منصه

ظهور وتجلی برسد. چراکه شاعر متعهد همواره در شعر به دنبال راهی است که آرمانها وآرزوها ودردها ودریغهای ملت خویش را در قالبی هر چند غیر مستقیم وپوشیده ابراز نماید به گونه ای که شناخت سمبولها ونمادهای این عصر بدون آگاهی از وضعیت سیاسی واجتماعی آن امکان ناپذیر است. بیان مفاهیم سیاسی واجتماعی در شاعران در دوره های بعد، که با نوآوری های نیما در باب کوتاه و" **شعر از دوره مشروطه به بعد در ایران رواج یافت وبلند کردن مصراعها آشنا شدند راحت تر وبیشتر به این مسائل پرداختند وشعرشان را در حمایت از مردم وتلاشهای آزادیخواهانه آنان به کار گرفتند**"(درستی، ۱۳۸۱: ۳۶ = Dorsty, 1381:36)

از مهمترین اتفاقات سیاسی واجتماعی که زمینه را برای شعر سمبلیک ورمزگرا وابهام آمیز در ایران فراه کرد می توان به: جو اختناق واستبداد بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ پس از بازگشت شاه از رم به ایران، وسرکوب نهضت ملی وهمچنن حزب توده، که مورد توجه بسیاری از شاعران بودند ونیز انقلاب سفید شاه وقیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ اشاره کرد که واکنشها متفاوت را از سوی شاعران در برداشت. از نظر اقتصادی به خصوص با رکود اقتصادی که بخش عمده ای از آن ناشی از توقف استخراج وپالایش نفت بود، موجبات نارضایتی مردم فراهم شده بود " **فقر وتکدی در خیابنها افزایش یافته وبیکاری در میان فارغ التحصیلان دبیرستانها ودانشگاه ها به مشکلی جدی بدل شده بود. در عین حال، تب سیاسی کشور را فراگرفته بود. (از خشونت وتظاهرات خیابانی تا توطئه های سیاسی وآشوب های سازمان یافته) که هم علت وهم معلول رکود وبی ثباتی اجتماعی واقتصادی بود** "(لنگرودی، ۱۳۹۰، ج۲: ۱۶= Langroudi, 1390, part 2: 16).

همچنین، بسط وگسترش دستگاه امنیتی کشور با استفاده از ساواک که در سال ۱۳۳۵ رسما آغاز به کار کرد، امکان تفتیش وبازرسی کامل را برای شاه فراهم آورده بود. همین " **شیوه استبدادی حکومت ودستگاه بلیسی خشن سبب شد که جهت کلی شعرهای سیاسی، به طرف سمبولیسم تنظیم شود واین نوع شعر رواج فراوانی بیابد. این سالها از مهمترین دوره های رواج سمبولیسم اجتاعی در شعر معاصر است** "(زرقانی، ۱۳۸۳: ۳۷۱= Zarkani, 1383:371).

۲. عوامل فرهنگی(cultural factors)

شعر در ایران همواره یکی از مهمترین رسانه های فرهنگی بوده وهست ودر دوره های مختلف تاریخی، فرهنگی واجتماعی، بسته به استعداد، فهم وآگاه شاعران ومخاطبان آنها، نوع برخورد حکومتها با شعر وشاعران تحولات زیادی را پشت سر نهاده است. در دوره

پهلوی دوم، عوامل فرهنگی بسیاری باعث گرایش شـــعر به ســـوی سمبولیسم اروپایی شد از جمله عوامل گسترش در این نوع شعر در ایران می توان به اشنایی برخی از شاعران روشن فکر ایران با زبانهای اروپایی اشاره کرد. از جمله این که نیما به عنوان بنیانگذار شعر نو وهمچنین شعر سمبولیسم اجتماعی در ایران با زبان فرانسه – که سمبولیسم از آنجا آغاز شده بود – آشنایی داشت. البته " **تا اوایل دهه سی بیشتر شاعران نوپرداز – که بسیار اندک بودند – به یکی از زبانهای خارجی که عمدتا زبان فرانسه بود، آشنایی داشتند** "(لنگرودی، ۱۳۹۰، ج۲: ۴۴۰= Langroudi, 1390: part2: 440).

عامل دیگر نشریات بودند که در این عصر به طور گسترده چاپ می شدند – البته به جز چند نشریه ی وابسته به حزب توده که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ممنوع الچاپ شدند – در همه ی آنها معمولا به ترجمه اشعار شعرای غربی پرداخت همی شد ونقش عمده ای را در شکل دهی به شعر نو ومدرن ایران ایفاکردند. از جمله کارهای این نشریات " **چاپ ترجمه شعرهای شاعران اروپایی ومعرفی آنان بود. پلوالری، تیاسالیوت، منیس، شارل بودلرف آرتور رنبور، مایاکوفسکی وحتی نیچه از این جمله بودند .... همچنین در این نشریات، مباحث نقد ادبی ومعرفی مکاتب ادبی اروپایی مد نظر بود. این نقد ونظرها در باز کردن منظر جدید بر روی شعر فارسی تأثیر فراوانی داشت** "(زرقانی، ۱۳۸۳: ۳۷۶= Zarkani, 1383: 374).

در این میان نماد از نقش برخی کتابها در شکل دهی به سمبولیسم غافل شد. به خصوص کتاب از رمانتیسم تا سورئالیسم حسن هنرمندی که در سال ١٣٣٦ چاپ شد، که نقش زیادی در آشنا کردن شاعران با شعر اروپایی داشت " **از اوایل دهه سی با گسترش شهرنشینی وفعالیت چند نشریه ادبی بر طرفداران شعر نو افزوده شد وعده کثری به سرودن شعر نو پرداختند که به سبب آشنا نبودن با هیچیک از زبانهای خارجی قادر به استفاده از منبع ومأخذ وسرچشمه شعر نو – کـــه شـــــعر اروپایی بود – نبودند. در چنین موقعیتی، که عطش تسکین ناپذیر برای خواندن وشـــناختن شـــعر اروپایی وجود داشـــت، کتاب از رمانتیسم تا سورئالیسم منتشر شد که غنیمتی باور نکردنی بود**"(لنگرودی، ۱۳۹۰، ج۲: ٤٤٠= Langroudi, 1390: part2: 440).

بطور عمومی سمبولیسم اجتماعی سلاحی است برای مبارزه وستیز است. اگر رمانتیسم شست را پذیرفته وبا مبارزه ای منفی به دنیای تخیل ورؤیا پناه می برد وراه گریز را برای کاستن از بار فشارها ودغدغه های اجتماعی در پیش می گیرد؛ سمبولیستم را باید حاصل عصیان واعتراض روح وروان خدش هدارشده ی ایرانی از وضعیت نا به سامان جامعه دانست وآنرا نوعی مبارزه وستیز تلقی کرد که در پس اعتراضهای رمزی وسبولیک

خویش آرمانها وآرزوهای خود وهمنوعانش را ی طلبد وتعهد ومسئولیت را رسالت هنری خویش می داند.این نوع سمبولیسم در ایران را جدا از سمبولیسم فردی می توان مظهر تعهد، مسئولیت ومردم گرایی نامید؛ چنانکه جامعه گرایی ورمزگرایی را دو عامل عمده در پیدایش آن می دانند(حسین پور جافی، ١٣٩٠: ٢٠٠- ٢٠٨ = Hossein Pour Javi, 1390: 200-208).

ویژگیهای ادبی در شعر فروغ(Literary features in Forough's poetry)

١- تغییر در شیوهٔ استفاده از قالب، وزن وقافیه

(Change the way you use weight and rhyme)

از نظر قالب، شعر شاعران سمبولیسم اجتماعی مانند فروغ فرخزاد، با هیچیک، از قالبهای شناخته شدهٔ سنتی از قبیل غزل، قصیده، مثنوی، رباعی، دوبیتی مستزاد، مسمط، چهارپاره و..... مطابق نیست، بلکه خود صورت وساختی جدا توضیح این که واحد شعر در شعر سنتی مصراع یا بیت است(حقوقی، ١٣٧٧، ج٢: ١٦= Huqqi, 1377, part 2:16)، وانه وخاص دارد قافیه ردیف در پایان بیتها با نظم خاصی تکرار می شوند. آنچه نوع قالب را در شعر سنتی مشخص می کند، از نظر صوری، تعداد بیتها ونوع استفاده از قافیه وردیف است. البته محتوای شعر نیز در قالبهای مختلف سنتی تا حدودی با هم مثلا قالب قطعه بیشتر به بیان پند واندرز ومسائل حکمی(شمیسا، ١٣٥٧، ج٢: ٣٧= Shamisa, 1357, part 2: 37) متفاوت بوده است، واخلاقی اختصاص داشته، یا غزل معمولا در برگیرندهٔ مفاهیم عاطفی عاشقانه وعرفانی بوده است، وقصیده کارکردهای دیگری را به عهده داشته است. اما در شعر شاعران جریان اجتماعی(شعر نیمایی)، "**سطرها وبندها** " واحد شعر را تشکیل می دهند، یعنی به جای(مصراع) شعر سنتی(سطر) قرار گرفته، وبه جای بیت از"**بند**" یا " **پاره** " سخن به میان می آید. بر خلاف شعر سنتی که در آن مصرعها حد واندازهٔ خاصی دارند ودر کل یک شعر این حد واندازه رعایت می شود، در شعر نیمایی سطرها وبندها اندازهٔ مشخص وتعریف شده ای ندارند وکوتاه وبلند هستند. در شعر نیمایی هر بند از تعداد نامشخصی از سطرهای کوتاه وبلند (از دو تا بیش از ده سطر) تشکیل می شود. هر بند، قسمتی از حرف وحدیث بند در شعر نیمایی چیزی است شبیه پارگرف(همان: ٣٨= Ipid: 38) کلی شاعر را در شعر بازگو می کند.

در نثر، وهمان چیزهایی که در اتمام یک پارگراف وشروع پارگراف دیگر ایفای نقش می کنند، در تکمیل وتغییر بندها نیز دخیل هستند. در بین بندها معمولاً فاصله گذاری مشخصی رعایت می شود، یا آن که برای تفکیک بندها از یکدیگر از مربعها یا ستاره های کوچکی استفاده می شود.

بعضی از شعر شعرای سمبولیسم اجتماعی، اشعاری است که وزن عروضی یا موسیقی بیرونی در آنها رعایت نمی شود ودرعوض، سعی می شود با پرداختن به موسیقی درونی (موسیقی ناشی از آرایه های چون همحروفی، همصدایی یا هم آوایی)، وانواع تقارنها وتناسبها وتکرارها وموسیقی کناری) موسیقی قافیه واین نوع از شعر در شعر(همان =lpid) " **ردیف** " مربوط به موسیقی وزن تا حدودی پر شود. وشعر معاصر فارسی به " **شعر سپید**" یا " **شعر منثور**" شهرت یافته.

شعرهای فروغ فرخزاد در دو مجموعه تولدی دیگر وایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد نمونه های مناسبی برای اینگونه از وزن هستند، ودر این مجموعه ها بویژه باید از شعرهای آیه های زمینی، بعد از تو، پنجره، تولدی دیگر، دلم برای باغچه می سوزد(حقوقی،١٣٧٧، ج٢: ٢٣ = Huqqi, 1377, part 2:23)، ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، یاد کرد.

برای نمونه قسمتی از شعر بلند ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد ذیلا آورده می شود وبه وزن آن که در سطرهای مختلف تغییراتی نیز کرده است، اشاره مشود:

زمان گذشت(مفاعلن)

زمان گذشت وساعت چهار بار نواخت(مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلان)

چهار بار نواخت(مفاعلن فعلان)

امروز روز اول دی ماه است (مستفعلن مفاعلن فعلاتن)

من راز فصلها را می دانم(مستفعلن فعولن مفعولن)

وحرف لحظه ها را می فهمم... (مفاعلن فعولن فعلاتن)

ومن به جفت گیری گلها می اندیشم (مفاعلن مفاعلن مفعولن مفعولن)

در آستانه فصل سرد (مفاعلن فعلاتن فاع)

در محفل عزای آینه ها (مستفعلن مفاعلن فعلن)

واجتماع سوگور تجربه های پریده رنگ(فاعلن فاعلن مفاعلن مستفعلن فعول)(فرخزاد، ١٣٦٨، ج١: ١٢٧= Farrokhzad, 1368,part 1: 127).

این بدان دلیل است که فروغ دیدگاه خاصی درباره ٔ وزن دارد. او می گوید: " **من جمله را به ساده ترین شکلی که در مغز ساخته می شود روی کاغذ می آورم ووزن مثل نخی است که از میان این کلمات رد شده، بی آنکه دیده شود فقط آنها را حفظ می کند ونمی گذارد بیفتند....، به نظر من حالا دیگر دوره ٔ قربانی کردن مفاهیم به خاطر احترام گذاشتن به وزن گذشته است. وزن باید باشد.من به این قضیه معتقدم....، وزن باید از نو ساخته شود، وچیزی که وزن را می سازد وباید اداره کننده ٔ وزن باشد بر عکس**

گذشته زبان است، حس زبان، غریزهٔ کلمات وآهنگ بیان طبیعی آنها "(حقوقی، ج٢: ٥٣= Huqqi, part 2: 53).

فروغ این مسئلهٔ طبیعی بودن بیان را در جای دیگر با مثال مناسبی توضیح می دهد: " **یک وقت شما می بینید همین طور که با خودتان هستید کلمات مثل مورچه هایی که یک روز آفتابی از سورا خبیرون می آیند، به دنبال هم ویا یک نظم منطقی ردیف می شوند. این نظم کلمه اگر بتواند در همان لحظه بیان کنندهٔ مفهوم ذهنی شما هم باشد بدون تردید شعر خواهد بود. من حالا این طورشعرمی گویم** "(پورنامداریان، ١٣٧٧: ٧٨= Purnamdarian, 1377: 78).

٢- استفاده از واژه های زبان امروز(Use of modern language words)

در شعر سنت گرای معاصر نیز الفاظ به جای اینکه از محیط وجامعهٔ امروز برگرفته شوند، بیشتر از متن متون ادبی کهن اخذ واقتباس می شدند، ولاجرم الفاظ شعری در اشعار اکثر این شاعران تقریباً همان الفاظی بود که در دیوان سعدی، حافظ، مولوی، و....به کارگرفته می شد(حقوقی، ج٢: ١٢٣=123 Huqqi, part 2:).

اما از خدماتی که نیما به شعر فارسی معاصر کرد این بود که این سد را از میان برداشت وبا این کار زبان شعر معاصر را تازگی وطراوت بخشید وغبار کهنگی را از چهرهٔ آن زدود. او به اشیا وپدیده های اطراف خود، نگریست وهر چه را که به کار او می آمد، به عنوان واژه های شعری، وارد شعر کرد. در نتیجه، واژه هایی، چون دهاتی، شغال، کومه، داروگ، شب پا، ول کردن، نمدزین، گرته، تلاجن، آیش، بیمارستان، و..... در شعر او راه یافت(همان= lpid).

سر انجام فروغ فرخزاد در این نوع ظاهر شد وهمان لغاتی را که در زندگی روزمره در خانه ومحل کار وبازار و..... با آنها سروکار داشت، به فراوانی در شعر خویش به کارگرفت:

مرا پناه دهید ای اجاقهای پر آتش – ای نعلهای خوشبختی –
وای سرود ظرفهای مسین در سیاهکاری مطبخ
وای ترنم دلگیرچرخ خیاطی
تولدی دیگر، وهم سبز..... وای جدال روزوشب فرشها وجاروها(همان: ١٣٤= lpid: 134)

خلاصه اینکه، در این جریان، شاعران از تمام ظرفیت واژگانی زبان امروز برای بیان افکار واحساسات خود بهره گرفتند وبدین وسیله، زبان شعر خویش را تحرک وتنوع تازگی بخشیدند وگنجینهٔ واژگانی آن را غنی ترکردند.

ویژگیهای محتوایی وفکری(Characteristics of content and thought)

١- تعهد در برابر مردم واجتماع(جامعه گرایی)

(Commitment to the people and society)

از ویژگیهای مهم در شعر شاعران اجتماعی، تعهد ورسالتی است که شاعران آن در برابر مردم ومسائل سیاسی واجتماعی وفرهنگی جامعهٔ خود برای خویش قایل هستند. " **مسئله تعهد در هنر که غالبا از آن تعهد اجتماعی اراده می شود، از جمله با توجه به اینکه مسائل مورد بحث تاریخ هنر به خصوص در دورهٔ معاصر است**"(همان، ١٣٥= Ipid: 135) زیبایی از جمله ویژگیهای هنر است، همواره عقیده به زیبایی برای زیبایی یا هنر برای هنر به منزله عقیده ای مخالف با تعهد در هنر تلقی شده است. برای آنان که مسئله تعهد در هنر را یک اصل مسلسم ولازم می دانند، زیبایی وهنری که هنری از آن در جهت بهروزی مردم وبهبود اوضاع سیاسی واجتماعی حاصل نشود وهم چون سلاحی بر ضد ستمگران به کار نرود، زیبایی وهنری بی ارزش وبیهوده است(پورنامداریان، ١٣٧٧: ٣٩= Purnamdarian, 1377, 39).

اهمیت مسئله جامعه گرایی به حدی است که حتی شاعری چون فروغ فرخزاد که بیشتر ذهنیت وشخصیتی غنایی دارد، در بسیاری از اشعار دو مجموعه پایانی خود تولدی دیگر، وایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد مستقیم یا غیر مستقیم به مسائل سیاسی واجتماعی وفرهنگی جامعه ومحیط زندگی خود اشاره می کند. که برای نمونه می توان به شعرهای عروسک کوکی، در غروبی ابدی، آیه های زمینی، هدیه، دیدار در شب، وهم سبز، ای مرز پر گهر، بعد از تو، پنجره، دلم برای مثال(همان). برای باغچه می سوزد، وکسی مثل هیچ کس نیست از او اشاره کرد. قسمتی از شعر " **بعد از تو**" نقل می شود، با این توضیح که شاعر در این شعر با زبانی نمادین از مشکلات ومصایبی که عصر جدید، با همه پیشرفتهایش برای انسان معاصر به همراه آورده است، بشدت انتقاد می کند. برخی از مسائلی که او در این شعر بدانها اشاره می کند از این قرار است: رویگردانی انسان عصر جدید از سادگی وصفای طبیعت وگرفتار شدن در چنبرهٔ ماشین وصنعت، بوروکراسی وفساد اداری وپشت میز نشینی، سوداگری وسود جویی وبرد وباخت همه چیز حتی خود زندگی وهویت وشخصیت انسانی، خیانت وجنایت، انقلاب واعتصاب، کشته شدن مبارزان ومعترضان و...(همان= Ipid).

ای هفت سالگی
بعد از تو ما صدای زنجره ها را کشتیم
وبه صدای زنگ، که از روی حرفهای الفبا بر می خاست

وبه صدای سوت کارخانه های اسلحه سازی دل بستیم
بعد از تو که جای بازیمان زیر میز بود
از زیر میزها
به پشت میزها
واز پشت میزها(فرخزاد: ٢٦٧ = Farrokhzad: 267)

فروغ در شعر " **آیه های زمینی**" خواه ناخواه از برخی متون دین کمک گرفته به شیوه ای سمبولیک انحطاط فکری واخلاقی عصر خویش را به تصویر می کشد؛ که بسیار شبیه به دوره آخرالزمان است که در آن همه هستی در حال نابودی است وایمان از قلبها رخت برسته وامیدی به اصلاح وجود ندارد. در این شعر " **فروغ فرخزاد، زبان گوایی اجتماعی میگردد که از انواع مختلف انحطاط وسقوط وفساد در ادوار گوناگون تاریخ وفرهنگ بشر به حد کافی سهم برده وگویی سقوط را به اوج رسانده وبه تکرار تجربه انحطاط گردن نهاده است. از این رو " آیه های زمینی" اعتراف خرد کننده پیغمبری است که الهامش از زمین است وحی هایش را فرشته های ساقط وجنایتزده اجتماعی به او دیکته می کنند**"(براهنی،١٣٧١، ج١: ٢٧٧= Brahni,1371, part 1:277).

آنگاه
خورشید سرد شد
وبرکت از زمین ها رفت
وسبزه ها به صحراها خشکی دید
وخاک مردگانش را
زآن پس به خود نپذیرفت ... پیغمبران گرسنه ومفلوک
از وعده گاههای الهی گریختند
وبره های گمشدهء عیسی
دیگر صدا هی هی چوپانی را
در بهت دشتها نشنیدد...
خورشید مرده بود
وهیچکس نمیدانست نام آن کبوتر غمگین که از قلبها گریخته اییمان است
(فرخزاد، ١٣٧٩: ٣٦١- ٣٦٧= Farrokhzad, 1379:361-367)

٢- آگاهانـه ومتفکرانـه بودن اشعار(Consciousness and thoughtfulness of poems)

شـعر در ایـن جریـان شـعری است متفکرانـه ونشـأت گرفتـه از تـأملات فکری وفلسـفی شاعر، خاستگاه شعر در این مورد تنها عاطفه وتخیل نیست، بلکه اندیشه وتفکر نیز درآن نقشـی تعیـین کننـده دارد. بـه همـین دلایـل اشـعار جامعـه گرایانـه بـا نـوعی، روشـن بینـی، سختگی وپختگی همراه است، وحکایت از درکی جدید از هستی طبیعت، جامعه، انسان، شعر وهنر دارد. شاعران پیش از آن که به آفرینش شعری دست بزنند، باید چهار نکته را بدرستی بداند:

اولا: بداند که در چه دوره ای از تاریخ بشر ودر چه عصری از تاریخ قومی خود زندگی می کند وقـوم او از او چه مـی خواهند. شـــاعر باید بداند در چه لحظه ودوره وعصری از تـــاریخ زنـــدگی مـــی کنـــد(ایـــن را مـــی نـــامیم رســـالت تـــاریخی وزمـــانی شـــاعر)(باباچاهی،١٣٦٧: ٦٨= Baba Shah, 1367: 68).

ثانیـــاً: بدانـــد بـــر روی چـــه ســـرزمینی ایســـتاده اســـت وبـــا کـــرهٔ ارض در کـــدام منطقـــه آن(فردوسی،١٣٤٦= Ferdowsi.1346)، رابطـه پیدا مـی کند(این را مـی نـامیم رسالت جغرافیایی ومکانی شاعر).

ثالثاً: به صمیمیت بر داشت وادراک خود از اجتماع ومحیط زندگی وموقعیت طبقاتی متکی باشد ودر این مورد جز روشن بینی وتعمق راهی در پیش نگیرد(همان= Ipid).(این را مـی نامیم رسالت اندیشه اجتماعی شاعر).

رابعاً: بداند در چه دوره ای از تاریخ ادبی قوم خود زندگی مـی کند. او باید نمایندهٔ کامل وجـامع جلـوه هـای راسـتین ادبیـات زمـان خـود باشـد، هـم در شـکل وقالـب وهـم در محتـوا ومضمون(این را مـی نامیم رسالت ادبی شاعر)(همان= Ipid).

بی گمان وقتی شاعر به این چهار رسالت اندیشه کرد وبرای آنها پاسخهایی در خور یافـت، شـعر او شـعری خواهـد بـود آگاهانـه وروشـن بینانـه وبـه دور از هـر گونـه سـطحی نگـری، شـتاب زدگـی وشـعار زدگـی. از ایـن روسـت(محمد رضـا، ١٣٧٩، ج١: ٢١٦= Mohammed Reza, 1379, part 1: 216). وجـه اندیشـگی یکـی از مهمترین وجوه شعر است.

٣- تغییر جهان بینی کل نگر وذهنی به جهان نگری جزئی وعینی

(Changing global and intellectual views in partial and objective directions)

مفـاهیمی چـون عشـق، عـدالت، آزادی، مـرگ، درد، مـردم و..... در شـعر سـنتی مفاهیمی بـود کلـی وذهنـی وفاقد هویت ملموس وشخصـی وعینـی. در شـعر سـنتی، کمتـر متوان از شعر شاعر به شخصیت او، شخصیت وهویت افراد پیرامون او محیط جغرافیایی او، بافت اجتماعی زمانهٔ شاعر، آمال وآرزوهای مردم، نوع حکومت و... پی برد، چراکه شاعر یا بـه این امور نمـی پردازد یا این کـه بـه گونهای برای مثال اگر بخواهیم از کلـی ونامشخص به این مفاهیم توجه نشان می دهد(همان= lpid).

طریق شعر شاعر بفهمیم که معشوق شاعرچه ویژگیهای ظاهری وشخصیتی ای دار کمتر چیزی دستگیر ما نخواهد شد، چراکه تقریباً تمام معشوقهای شاعران سنتی ویژگیهای کاملا مشابهی دارند همهٔ آنها قدی کشیده، ابروانـی کمانـی، چشمانی چون نرگس، رویی چون گل سرخ، دهانی چون عنچه و... دارند. همهٔ آنها جفا کارند وبا عتاب با عاشق خود سخن می گویند(همان=lpid).

اما در شعر معاصر خاصه در شعر اجتماعی نگاه شاعر بـه طبیعت، جامعه، نظام حـاکم، معشـوق و ... نگـاهی است جزئـی ودقیـق ومشـخص. شـاعر در بسیاری مـوارد از خانواده واطرافیان خود با صمیمیت وصراحت خاص سخن می گوید.

برای مثال در شعر زیر، فروغ بـه گونهای دقیق وکاملا ملموس ومحسوس از پدر، مادر، برادر وخواهر خود واعمال وافکار آنها(که البته هریـک از اینها نماینده، ونشاندهندهٔ قشر خاصـی از جامعـه زمانـهٔ شاعرند)، واوضـاع سیاسـی، اجتمـاعی وفرهنگـی حـاکم بـر جامعه اش وبسیاری مسائل مشخص دیگر سخن می گوید واز طریق این توصیفات، کاملا به روحیات شاعر وجو اجتماعی وسیاسی وفرهنگی زمانهٔ شاعر ونوع باورها واعمال مردم آن زمان پی می بریم(همان = lpid):

... حیاط خانهٔ ما تنهاست
حیاط خانهٔ ما
در انتظار بارش یک ابر ناشناس
..... خمیازه می کشد
پدر می گوید:
از من گذشته است
من بار خود را بردم
.... وکار خود را کردم
ما در انتظار ظهور است
وبخششی که نازل خواهد شد

برادرم به باغچه می گوید قبرستان(همان= lpid).

فروغ در شعر " **کس که مثل هیچ کس نیست**" در یک فضای سمبلیک ونمادین به ترسیم یک آرمانشهر می پردازد که در آن از ظلم، بی عدالتی واستبداد خبری نیست ومساوات وبرابری در تمام ارکان آن جاری است.

من خواب دیده ام که کس می آید
من خواب یک ستاره ی قرمز دیده ام
من خواب آن ستاره ی قرمز را
وقتی که خواب نبودم دیده ام
کسی می آید ....
کسی که مثل هیچ کس نیست ...
کسی که از بارانف از صدای شرشر باران، از میان پچ پچ گلهای اطلسیی
کسی که از آسمان توپخانه در شب آتش بازی می آید
وسفره را می اندازد
ونان را قسمت می کند
وپپسی را قسمت می کند
وسهم ما را می دهد

من خواب دیده ام (فرخزاد، ١٣٧٩: ۴۵۴- ۴۶۲= Farrokhzad, 1379:454-462)

این شعر فروغ در واقع اعتراضی است به نابرابر های اجتماعی وفرهنگی جامعه، واو منجیای را طلب می کند که بتواند آمال وآرزوهای او وملتش را تحقق بخشد. او " **با تخیلی نیرومند واحساسی که در عین فردی بودن قابلیت عمومی شدن دارد از پشت تصاویر ساده وصمیمی شعرش کلمات را مبدل به انعکاس چیزی در مورد انسان بودن می کند که قابل بیان نیست، اما به خوبی حس می شود** "(معمار، ١٣٨٩: ١٦٥= Mimar, 1389:165).

نتیجه گیری (The results)

١. شعر سمبولیک اجتماعی، شعری است که مسایل سیاسی – اجتماعی زمانه خویش را در کنار دو عنصر عاطفه وتخیل، علاوه بر اندیشه وتفکر تأکید بیشتر می شود. وهمچنین به کارگیری زبان وواژگان وشیوه بیان از ویژگی های این شعر است.

٢. از ویژگیهای مهم این مکتب آن است که شاعران در اشعارشان بسیاری از قواعد وقوانین ادبی وعروضی کلاسیک عدول کردند وبا کوتاه وبلند کردن مصراعها، شعر آزاد ویا کنار نهادن وزن وقافیه، شعر سپید را ابداع کردند.

٣. هدف شاعران از سمبولیسم حل مناقشه میان دنیای مادی ومعنوی است. به همان ترتیب که شاعر سمبولیست زبان شعری را پیش از همه به عنوان نمادین زندگی تأکید کردند، وهمیشه به باطن حقیقت وعمق مفاهیم موجود در جامعه می پردازد.

٤. شاعران ایرانی، سمبولیسم در اشعارشان برای بیان مقاصد سیاسی واجتماعی به قصد آگاه کردن اقشار مختلف جامعه از ظلم وستم واستبداد حاکمان به کار گرفتند، ودر عصر حکومت استبداد وگسترش ظلم وسانسور، به ترغیب مردم جهت مبارزه با ارکان نظام حاکم پرداختند واز این راه حس مسئولیت وتعهد خویش را به ملت ایران ادا نمودند.

٥. فروغ از شاعران صاحب سبک معاصر است وبه شعر نمادین وسمبلیک توجه بیشتری نشان می دهد؛ زیراکه از راه اشـــعارش مســائل اجتماعی بصورت هایی گوناگون ابراز می دارد.

٦. اغلب اشعار فروغ در حوزه نمادگرایی می نوشت، یعنی استفاده از نماد برای بیان اوضاع اجتماعی بـــه ســـبب خفقان سیاسی قرار می دهد. لذا اشعار او در برگیرنده مضامین اجتماعی پر از انتقادهای جامعه شناسانه می باشد.

الخلاصة (Abstract)

يمكن القول ان الشعر الرمزي المعاصر هو شعر اجتماعي له نظرة واقعية يعبر من خلاله الشاعر عن القضايا الاجتماعية للافراد والمجتمع. فالرمزية نوعا خاصا من الفن يعمل على التعبير عما يمر به الناس من هموم والام، من خلال استخدام الشاعر الرموز مع الكثير من المفاهيم الاجتماعية. لذلك فان هدف الشعراء من استخدام الرمزية في اشعارهم هي لاجل حل الصراع ما بين العالمين المادي والمعنوي.

لقد اولت فروغ فرخزاد اهتماما كبيرا بالشعر الرمزي، حيث عبرت من خلال قصائدها عن واقعها الاجتماعي، فقد كتبت معظم اشعارها في مجال الرمزية، أي قد استخدمت الرمز للتعبير عن الظروف الاجتماعية التي كان يمر بها البلد بسبب الاخفاقات السياسية. لذلك احتوت اشعارها على موضوعات اجتماعية متنوعة ومختلفة، مليئة بالنقد الاجتماعي لتلك الظروف التي يعيش فيها الناس.

منابع(Reference)

– تقی پورنامداریان(١٣٧٧)، خانه ام ابری است، چ٢، تهران: سروش .

– .....(١٣٦٨)، رمز وداستانها رمز در ادب فارسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی وفرهنگی.

– جلال ستاری(١٣٧٢)، مدخلی بر رمز شناسی عرفانی، چ١، تهران: نشر مرکز.

– .....(١٣٧٤)، نماد ونمایش، چ١، تهران: نشر توس.

– حسن انوشه(١٣٧۶)، فرهنگنامه ادبی فارسی(دانشنامه ادبی فارسی)، تهران: سازمان چاپ وانتشارات وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی.
– حسین پور جافی(١٣٩٠)، جریانهای شعری معاصر فارسی از کودتا(١٣٣٢) تا انقلاب(١٣٥٧)، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
– داریوش معمار(١٣٨٩)، تفریق جمعی(تحلیل اثار سیزده شاعر نوپرداز از نیما تا امروز)، تهران: انتشارات نگاه.
– دکتر بهروز جلالی(١٣٥٧)، جاودانه زیستن، در اوج ماندن، ج٢، انتشارات مروراید.
– دکتر حمید زرین کوب(١٣٥٢)، چشم انداز شعر نو فارسی، تهران: انتشارات توس.
– دکتر سیروس شمیسا(١٣٥٧)، نگاهی به فروغ فرخزاد، ج٢، انتشارات مروراید.
– دکتر محمد رضا(١٣٧٩)، سیر تحول غزل فارسی از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج١، نشر روزبه.
– رضا براهنی(١٣٧١)، طلا در مس(ر شعر وشاعری)، ج١، تهران: ناشر نویسنده.
– رضا سید حسینی(١٣٨٩)، مکتبهای ادبی، ج٢، چاپ شانزدهم، تهران: نشر آگاه.
– سید مهدی زرقانی(١٣٨٣)، چشم انداز شعر معاصر ایران، چاپ اول، تهران: نشر ثالث.
– شمس لنگرودی(١٣٩٠)، تاریخ تحلیلی شعر نو، جلد دوم، چاپ ششم، تهران: نشر مرکز.
– علی بابا چاهی(١٣٦٧ش)، پنجاه وهفت سال شعر نوی فارسی،آدینه ٢٥.
– غلامحسین یوسفی، چشمه ی روشن، ج ١، انتشارات علمی.
– فروغ فرخزاد(١٣٦٨)، دیوان، انتشارات نوید(آلمان غربی)،چ اول، فروردین.
– فروغ فرخزاد(١٣٧٩)، دیوان، با مقدمه بهروز جلالی،چاپ هفتم، تهران: انتشارات مروارید.
– کورش صفوی(١٣۶۶)، نگاهی تازه به معنی شناسی، چ١، تهران: نشر مرکز.
– م. لوفلر دلاشو(١٣۶۴)، زبان رمزی افسانه ها، ترجمه: دکتر جلال ستاری، چاپ اول، تهران: انتشارات توس.
– محمد حقوقی(١٣٧٧)، شعر نو از آغاز تا امروز، ج٢، نشر ثالث با همکاری نشر یوشیج.
– محمود فتوحی(١٣٨۶)، بلاغت تصویر، چاپ اولف تهران: انتشارات سخن.
– منصور ثروت(١٣٨٧)، آشنایی با مکتبهای ادبی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن.
– یعقوب آژند(١٣٦٣)، ادبیات نوین ایران، چ١، تهران: امیر کبیر.

مجله ها (Magazines)

١– دفتر هنر، ویژه فروغ فرخزاد، سال اول، شماره٢، شهریور، ١٣٧٣.
٢– مجله ی فردوسی شماره های اسفند ٨٤٩، ١٣٤٦.

Reference

- Ali Baba Shahi (1367 A.D.), Punjat Waheft Sal, Nawa Persian poetry, Eden 25.
- Cyrus Safavi (1366), Najahi Taza with the meaning of Shinasi, part 1, Tehran: Center publication.
- Dariush Mimar (1389), Tarifiq Jami (An analysis of the effects of Seizdeh Sha'ar Nobardaz as Nima Ta Emroz), Tehran: Ansharat Negah.
- Dr. Behrouz Jalali (1357), Jawdana Zestin, Dr. Uj Manden, part 2, Murrayd publications.
- Dr. Cyrus Shamisa (1357), Nagahi Beh Forough Farrokhzad, part 2, Murrayd publications.
- Dr. Hamid Zarin Koop (1352), Cheshem Andaz Poetry in No-Persian, Tehran: Toos Spreads.
- Dr. Muhammad Reda (1379), The Biography of the Transformation of Persian Ghazal as Conditionally t Inqilab Islamic, Part 1, Rozbah Publishing.
- Frough Farrokhzad (1379), Diwan, preface by Behrouz Jalali, Chap Haftam, Tehran: Marwarid Spreads.
- Frough Farrokhzad(1368),Diwan, Nuwayd (West German) publications, Jol, Farvardin.
- Gholamhossein Yousfi, Cheshmeh Roshan, part 1, Scientific publications.
- Hanar's notebook, Wijeh Forough Farrokhzad, Sal Awal, Shamara 2, Shahryor, 1373.
- Hassan Anousheh (1376), Farhangnameh literary Persian (Danshanama literary Persian), Tehran: Sazman Chap and publications of the Ministry of Farhang and Islamic guidance.
- Hossein Pour Javi (1390), Gharyanhai Poetry Contemporary Persian as Kudta(1332) Ta Enghelab(1357), Chap Som, Tehran: The publications of Amir Kabir.
- Jalal Satari (1372), Madkhali Bar Ramz Shinasi Erfani, part 1, Tehran: Center publication.
- Jalal Satari,(1374), Namad and Namish, vol. 1, Tehran: Tous Publishing.
- Journal of Ferdowsi Shamara, High Esfand, 849, 1346.
- M. Loeffler Dallashaw (1364), Zaban Ramzi Afsaneh Ha, Translated by: Dr. Jalal Satari, Chap Awal, Tehran: Toos publications.
- Mahmoud Fattohi (1386), Balaghat Photography, Chap Ulf Tehran: Insrat Sokhn.

- Mansur Tharwat (1387), Ashnai Ba Literary Library, Chap Dom, Tehran: Sokhn publications.
- Muhammad Huqqi (1377), Poetry of Nawaz Aghaz Ta Emroz, part 2, third publication, Ba Hamkari, Yoshij Publishing.
- Reza Brahni (1371), Tala Dar Misr (Poetry and Poetry), part 1, Tehran: Nuwaisandeh Publisher.
- Reza Seyed Hosseini (1389), My Book of Literature, Part 2, Chap Shanzdham, Tehran: Agha Publishing.
- Seyyed Mahdi Zarkani (1383), Cheshem Andaz, contemporary poetry of Iran, part I, Tehran: Third Publishing.
- Shams Langroudi (1390), Analytical History of Nou poetry, Dom skin, Chap Sheshem, Tehran: Center publication.
- Taqi Purnamdarian (1368), Razm wadastanha Ramz dar dab Farsi, Chap Som, Tehran: Scholarly and Farangi publications.
- Taqi Purnamdarian (1377), Khana Um Abri Ast, Part 2, Tehran: Soroush.
- Yaqoub Aghand (1363), Novin Literature, Iran, part 1, Tehran: Amir Kabir.